

پیشروی موج تازه خیزش توده ای در گرو چیست؟

موج تازه جنبش اعتراضی که روز یکشنبه هفتم دی ماه مصادف با هشتمین سالگرد خیزش دی ماه ۱۳۹۶ و در پی نوسانات بی سابقه بازار ارز و تأثیرات آن بر افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز روزانه مردم، آغاز شد اکنون دوازدهمین روز خود را پشت سر گذاشته است. این اعتراضات در روزهای بعد به دانشگاه‌ها و ده ها شهر ایران گسترش یافت و معترضان در همه جا و در کف خیابان با شعار مرگ بر دیکتاتور کل ساختار حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را هدف گرفته‌اند. از آغاز اعتراضات تا کنون همه تشکل‌ها و نهادهای مستقل از دولت کارگری، معلمان، بازنشستگان و زنان، دانشجویان، کانون نویسندگان و ... با صدور بیانیه های جداگانه و یا بیانیه های مشترک از این اعتراضات حمایت و پشتیبانی کرده و سرکوبگری های جمهوری اسلامی را محکوم کرده اند.

در برابر این موج تازه اعتراضات، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با استقرار نیروهای امنیتی، پلیس و گارد ویژه در شهرهای مختلف و مناطقی که به کانون این اعتراضات تبدیل شده اند، یک حکومت نظامی اعلام نشده را به اجرا گذاشته است. طی چندین روز گذشته در نتیجه یورش نیروهای سرکوبگر رژیم به صف معترضان و به گلوله بستن آنها تاکنون بیش از ۴۰ تن از مبارزان جان خود را از دست داده، ده ها نفر زخمی و بیش از دو هزار و پانصد نفر دستگیر و روانه زندان شده اند. نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی در روزهای گذشته با حمله به صف مردم مبارز و آزادیخواه در شهرستان ملکشاهی در استان ایلام و به خون کشیدن اعتراض آنان و یورش به بیمارستان شهر ایلام برای به گروگان گرفتن مجروحان و پیکر جانباختگان قساوت و وحشیگری را به اوج خود رسانده اند. مردم مبارز کردستان این سببیت رژیم جمهوری اسلامی را بلافاصله با تظاهرات و راهپیمایی مردم در شهر آبدانان و دیگر شهرهای استان ایلام، اعتراضات خیابانی در کرمانشاه، و با اعتصاب عمومی در دیگر شهرهای کردستان توأم با اعتراضات خیابانی در شهرهای کامیاران، سنندج و دهگلان و چند نقطه دیگر در روز پنج شنبه ۱۸ دی ماه پاسخ دادند. باید تلاش کرد اعتصاب عمومی توأم با اعتراضات خیابانی



اطلاعیه کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایران
در حمایت از
اعتراضات مردم
علیه
توره و گرانی

فراخوان مشترک

**برای پیوستن به اعتراضات سراسری
و به عقب راندن ماشین قتل و سرکوب جمهوری اسلامی
متحد و یکپارچه به میدان بیاییم!**

**اطلاعیه کمیته مرکزی کومه‌له
در محکومیت کشتار، دستگیری و احضار فعالان سیاسی در کردستان
فقط با اعتراضات متحدانه و یکپارچه می توان این موج سرکوب را به عقب راند**

**اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در همبستگی با مبارزات توده های مردم ایران
زنده باد مبارزه علیه فقر و گرانی و تورم، پیش بسوی انقلاب**

درباره‌ی نسل آلفا و تحولات آینده



**با گسترش و سراسری کردن اعتراضات
پاسخ دندان شکنی به تهدیدات خامنه ای بدهیم**



**در محکومیت تجاوز نظامی ایالات متحده آمریکا به ونزوئلا
و اهداف امپریالیستی آن**

**حمایت تشکل‌ها و نهادهای کارگری و اجتماعی
از جنبش اعتراضی دی ماه ۱۴۰۴ گسترش می یابد!**

در چند شهر، نه نقطه پایان، بلکه به نقطه آغازی برای پیوستن همه شهرهای کردستان به اعتراضات سراسری تبدیل گردد.

این موج نیرومند جنبش اعتراضی در ادامه خیزش‌های توده‌ای و سراسری چند سال اخیر و در تداوم جنبش انقلابی ۱۴۰۱ برای پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی، پایان دادن به نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی، ملی، رفع محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی و در یک کلام برای سرنگونی جمهوری اسلامی به حرکت درآمده است. از اینرو،



با اینکه اکثریت میلیونی کارگران و زحمتکشان و تهیدستان شهری هنوز به اعتراضات خیابانی نپیوسته‌اند، اما قلبشان با این اعتراضات می‌تپد. این پدیده در ابتدای خیزش قابل درک است، چون همه جنبش‌های انقلابی و انقلابی‌های عظیم تاریخ را اقلیتی انقلابی و مصمم آغاز کرده‌اند. اما پیشروی و پیروزی این خیزش‌ها و جنبش‌های انقلابی در گرو گسترش و توده‌ای شدن هر چه بیشتر آنها است. بنابراین نباید گذاشت همدلی منفعلانه با این خیزش انقلابی به عاملی جهت فروکش اعتراض‌های خیابانی تبدیل شود. چون در غیاب حضور توده‌های مردم در ابعاد میلیونی، نیروهای سرکوبگر قادر خواهند بود صفوف معترضان را پراکنده کرده و اعتراض‌ها را در همان لحظات اول به جنگ و گریز خیابانی بکشانند.

تردید نیست که توانایی رژیم در سرکوب خونین و بگیر و ببندهای گسترده، از موانع اصلی سر راه توده‌ای شدن این جنبش انقلابی است. اما کلید عبور از این مانع نیز در دست خود توده‌های مردم است. برای نمونه اگر توده مردم معترض در تهران و دیگر شهرهای ایران همزمان در چندین نقطه شهر و در ابعاد چندین هزار نفری به خیابان بیایند، و هوشیارانه شگردها و نیرنگ‌های نیروهای امنیتی جهت تبدیل کردن اعتراضات به جنگ و گریز خیابانی را خنثی کنند، نه تنها می‌توانند قدرت سرکوب مزدوران جمهوری اسلامی را بطور مؤثری خنثی نمایند، بلکه قادر خواهند بود انسجام آنها را در هم کوبند. در همین راستا لازم است فعالین جنبش‌های اجتماعی با کار سازمانگرا و بکار گرفتن ابتکارات و تجارب

خود در زمینه اطلاع‌رسانی از طریق شبکه‌های اجتماعی و ... با آماده کردن و بسیج گسترده توده‌ای برای اعتراضات، پیشروی این جنبش اعتراضی را تضمین کنند. در این مسیر ضروری است که مردم کاملاً هوشیار باشند و اجازه ندهند که دستگاه امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی با میدان دادن به گروهی سلطنت طلب مرتجع، مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنها را به انحراف برده و همین شگرد را در خدمت لطمه زدن به اعتبار مبارزات مردم و تشدید سرکوب آنان بکار گیرند.

در همانحال نگرانی از تکرار تجربه شکست انقلاب ۵۷، نگرانی از خطر جنگ داخلی و سوری‌ای شدن ایران که اصلاح طلبان حکومتی و بخشی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی آن را دامن می‌زنند از دیگر موانع ذهنی سر راه توده‌ای شدن این خیزش توده‌ای است. اما این نگرانی‌ها زمانی جنبه مادی پیدا می‌کند که کارگران و مردم ستم‌دیده به حاشیه رانده شوند. بنابراین فقط با حضور در صحنه سیاسی جامعه و مشارکت فعالانه در اعتراضات است که می‌توان این نگرانی‌ها را برطرف کرد.

یکی دیگر از ملزومات پیشروی و پیروزی این جنبش اعتراضی به میدان آمدن طبقه کارگر در کارخانه‌ها، مجتمع‌ها و مراکز کلیدی تولیدی و خدماتی با اعتصابات یکپارچه و سراسری و با تلفیق خواسته‌های اقتصادی و سیاسی، از جمله خواست پایان دادن به سرکوب اعتراضات، آزادی کلیه دستگیرشدگان و زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و است. طبقه کارگر به رغم موانع عدیده‌ای که سر راه دارد، با تکیه بر دستاوردهای مبارزات تائکونی، با تکیه بر وجود رهبران کاردانی که دارد، با تکیه بر تجربه شکل دادن به کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های کارخانه که جوانه‌ها و نطفه‌های شوراهای کارگری هستند و با تکیه بر تجاربی که در سازماندهی صدها اعتصاب شکوهمند دارد، می‌تواند با برپایی اعتصابات سراسری خود به این جنبش اعتراضی بپیوندد و با پیوستن خود ماشین سرکوب و کشتار رژیم اسلامی را زمینگیر کند. پیوستن طبقه کارگر در بعد اجتماعی به این اعتراضات در همانحال می‌تواند بستر مناسبی برای ارتقای سازمانیابی و ایجاد تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای و تحزب‌یابی کارگران فراهم آورد.

از دیگر شرایط تضمین پیشروی و پیروزی این جنبش در گرو گستراندن استراتژی و چشم‌انداز سیاسی روشن و انقلابی، سازمانیابی و شکل دادن به عنصر رهبری سراسری است. بنابراین نباید وعده پیروزی سهل و آسان را به توده‌ها داد، بلکه باید عملاً در راه پاسخ دادن به نیازهای واقعی این جنبش و تأمین ملزومات به شکست کشاندن حزب پادگانی سپاه پاسداران و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی گام برداشت و توده‌ها را به دشواری‌های این راه پر

سنگلاخ آگاه ساخت.

این جنبش فقط یک جنبش سلبی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. توده‌های به پا خاسته علیه فقر و فلاکت اقتصادی، علیه نابرابری‌ها، محرومیت‌ها و تبعیض‌هایی پا به میدان اعتراض و مبارزه گذاشته‌اند که ریشه در مناسبات سرمایه‌داری ایران دارند. به این اعتبار این جنبش نه فقط هدف سرنگونی جمهوری اسلامی را در پیش روی خود قرار داده، بلکه بنا به ماهیت خواسته‌های جنبشی ضد سرمایه‌داری است. مردم به حق به امکانات نهفته در ایران برای برپایی جامعه‌ای آزاد، برابر و مرفه چشم دوخته‌اند. باید تصویر روشنی از حکومتی که بعد از جمهوری اسلامی سر کار می‌آید را به میان مردم برد. بنابراین باید افق سوسیالیستی، افق حکومت شورایی کارگران و فرودستان و شوراهای مردم را در برابر این جنبش قرار داد. باید سعی کرد شعارهایی از نوع "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، "آزادی، برابری، اداره شورایی" که از جانب معترضان در این جنبش انقلابی طرح شده‌اند را با کمپین‌های سیاسی - تبلیغی هر چه توده‌ای تر کرد. باید تبیین روشنی را از این شعارها و معنای واقعی آزادی و برابری و اداره شورایی را به میان توده‌ها ببریم.

باید پیگیرانه و به طور تعطیل ناپذیر، در مورد مخاطرات پروژه‌های امپریالیستی رژیم چنچی و دست به دست شدن قدرت از بالای سر مردم هشدار داد و مواضع و استراتژی‌های سیاسی بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای به بیراهه بردن و به شکست کشاندن این جنبش را برای مردم روشن کرد. باید تناقض برنامه‌های اقتصادی آنان که همان سرمایه‌داری مبتنی بر الگوی بازار آزاد و نئولیبرالیسم با مدیریت غیر اسلامی است را با وعده‌هایی که به مردم در زمینه برابری سیاسی و حقوقی و برابری زن و مرد می‌دهند را آشکارا نشان داد. آنها که بدیل شان سرمایه‌داری با مدیریت غیر اسلامی است نمی‌توانند وعده آزادی و رفاه به مردم بدهند. سرمایه‌داری با مدیریت غیر اسلامی هم یک حکومت استبدادی است.

حزب در شبکه‌های اجتماعی



Peshraw Cpiran



Peshraw Cpiran



Komala Cpiran



Peshraw Cpiran

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در حمایت از اعتراضات مردم علیه تورم و گرانی

ورشکستگی و برای تقویت ماشین سرکوب بودجه ارتش و سپاه پاسداران و همه نهادهای نظامی و امنیتی و تبلیغات مذهبی را بطور سرسام آور افزایش داده و هزینه سنگین بحران اقتصادی را بر دوش طبقه کارگر و اقشار فرودست جامعه انداخته است.

در برابر این تورم و گرانی سرسام آور و فقر و فلاکت بی سابقه و تعرض افسار گسیخته ای که رژیم فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی به سطح زندگی و معیشت مردم سازمان داده است، راهی جز تعرض متقابل وجود ندارد. کارگران که دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر دریافت می کنند و یا بیکار هستند، مردمی که بیش از ۶۰ درصد آنان زیر خط فقر مرگ تدریجی را تجربه می کنند، معلمان و بازنشستگانی که از فقر رنج می برند، دیگر راهی برای عقب نشینی ندارند. مردم نباید بگذارند که این رژیم جنایتکار هزینه سنگین سرپا نگاه داشتن دستگاه فاسد دولتی و ارگانهای سرکوب و پروژه های هسته ای، نظامی و امنیتی و دستگاه تبلیغاتی خود را به سفره خالی آنها تحمیل نماید. برای به عقب نشاندن حکومت اسلامی سرمایه داران، فلج کردن ماشین سرکوب آن و سوق دادن آن به پرتگاه سرنگونی راهی جز گسترش و سراسری کردن اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای وجود ندارد. در این مسیر مردم باید کاملاً هوشیار باشند و اجازه ندهند که دستگاه امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی با میدان دادن به گروهی سلطنت طلب مرتجع، مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنها را به انحراف برده و همین شگرد را در خدمت لطمه زدن به اعتبار مبارزات مردم و تشدید سرکوب آنان بکار گیرند. تعرض افسار گسیخته رژیم اسلامی به زندگی و معیشت مردم، همه کارگران، زحمتکشان و فرودستان و مردم آزاده ایران را به اعتراض و مبارزه یکپارچه و متحدانه علیه وضع موجود فرا می خواند. رمز پیشروی در سازمانیابی، شکل دادن به رهبری سراسری و گستراندن چشم انداز انقلابی و رهایی بخش سوسیالیستی است.

مردم را نشانه گرفته اند که باید با هوشیاری مسئولان شناسایی و محاکمه شوند». سپاه پاسداران طی بیانیه ای اعلام کرد: «امیدزدایی، تزییق وحشت و ترغیب به تسلیم در برابر دشمن در شرایط کنونی مصادیق بارز رفتارهای فتنه انگیزانه اند». سپاه پاسداران با «فتنه» خواندن این اعتراضات و با تهدید و وعدهی برخورد «قاطعانه»، آشکارا مشت های آهنین و خونین خود در مقابله با اعتراضات ۸۸ و خیزش های دی ۹۶، آبان ۹۸ و جنبش انقلابی ۱۴۰۱ را به رخ مردم ایران کشید.

آنچه حاکمیت از آن به عنوان «اخلال در نظم اقتصادی» یاد می کند، در واقع نشانهی فروپاشی نظم سرمایه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. این اوضاع و ابعاد سرسام آور تورم و گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی نه فقط نشانه بن بست اسلام سیاسی به عنوان یک الگوی حکومتی و فروپاشی سیاست های راهبردی جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف، بلکه در همانحال شکست الگوهای مختلف سرمایه داری از سرمایه داری دولتی گرفته، تا تئولیرالیسم و اشکال مختلف و در هم تنیده آن برای کنترل این بحران ها را نشان می دهد. در ساختار فاسد و مافیای جمهوری اسلامی محتکران اصلی، همان شبکه های شبه نظامی و رانتی اند که کنترل واردات، صادرات و بازار ارز را در انحصار خود دارند. این شبکه ها نه تنها عامل اصلی وضعیت موجودند، بلکه از بی ثباتی اقتصادی سود می برند؛ زیرا هر نوسان ارزی، فرصت تازه ای برای غارت جیب مردم فراهم می کنند.

نگاهی به لایحه ی بودجه ی ۱۴۰۵، به روشنی نشان می دهد که حکومت اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی سیاست هایش هیچ اراده ای برای بهبود معیشت کارگران و مزدبگیران و اکثریت جامعه ندارد. از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خود اساساً به استراتژی تشدید سرکوب متکی است، برای نجات دستگاه و بوروکراسی عریض و طویل دولتی از خطر

روز یکشنبه هفتم دی ماه مصادف با هشتمین سالروز آغاز خیزش دی ماه سال ۱۳۹۶ و در پی سقوط بی سابقه ارزش تومان در برابر دلار و دیگر ارزهای خارجی و تأثیرات آن بر افزایش قیمت کالاها، نقاط مختلف بازار و مناطق مرکزی تهران شاهد خشم و اعتراض مغازه داران و کسبه و مردم عادی از این اوضاع آشفته اقتصادی بود. روز دوشنبه نیز همزمان با تعطیلی بازار بین الحرمین، بازار آهنگران و صرافان و بسته شدن مغازه ها در خیابان های ناصر خسرو، سعدی جنوبی، لاله زار، چهارراه استانبول و محدوده بازار چهارسوق، راهپیمایی و تجمع های اعتراضی با شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «گرونی، تورم، بلای جون مردم»، «ترسید ترسید ما همه با هم هستیم» ادامه داشت. بر پایه آخرین گزارش ها دامنه این اعتراضات شهرهای ملارد، کرج، مشهد، همدان، کرمانشاه، کرمان، لرستان و جزیره قشم و چند شهر دیگر را نیز در بر گرفته و معترضان با فریاد مرگ بر دیکتاتور علیه اوضاع آشفته اقتصادی و افزایش ساعت به ساعت قیمت ها اعتراض کردند. دانشجویان کوی دانشگاه تهران هم با شعار «دانشگاه می میرد، ذلت نمی پذیرد»، «بترسید بترسید ما همه با هم هستیم» دست به اعتراض زدند. همزمان اتحادیه تشکل های کامیون داران و رانندگان سراسر ایران طی بیانیه ای ضمن ابراز نگرانی عمیق خود از شرایط نابسامان اقتصادی، حمایت کامل خود را از این اعتراضات اعلام کرد.

واکنش رژیم جمهوری اسلامی به این اعتراضات سریع و عریان بود. نیروهای امنیتی و پلیس و گارد ضد شورش بلافاصله در نقاط مختلف تهران مستقر شدند و در خیابان جمهوری و چند نقطه دیگر تهران با معترضان درگیر شدند و برای پراکندن آنان گاز اشک آور شلیک کردند. محسنی اژه ای رئیس قوه قضائیه رژیم برای تیره کردن باندهای مافیای حاکم از جرم و جنایت و اوضاع فاجعه باری که به مردم تحمیل کرده اند، اعلام کرد: برخی با برهم زدن بازار ارز و ایجاد نوسانات اقتصادی معیشت و زندگی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۸ دی ماه ۱۴۰۴

۲۹ دسامبر ۲۰۲۵





اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در همبستگی با مبارزات توده های مردم ایران

زنده باد مبارزه علیه فقر و گرانی و تورم، پیش بسوی انقلاب

های بیش از ده شهر شکل گرفته است و چه بسا در روزهای آینده شهرهای بیشتری را فرا گیرد، تداوم مبارزات مردم ستمدیده ایران در دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و جنبش انقلابی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ است. جنبشی بزرگ و ستودنی که تا سرنوینی جمهوری اسلامی پیش رفت، اما در فقدان حضور طبقاتی کارگران و زیر ساطور سرکوب و کشتار هیئت حاکمه از ادامه حرکت باز ماند.

تجربه جنبش بزرگ و انقلابی «زن، زندگی، آزادی» و توقف آن در میانه راه همانند مشعلی فروزان در پیشروی مبارزات کنونی مردم ستمدیده بویژه طبقه کارگر ایران است. بی تردید اگر کارگران ایران در این روزهای سرنوشت ساز در کارخانه ها و مؤسسات خدماتی، اعتصابات پراکنده خود را یکدست کنند، چرخ تولید را متوقف سازند و متحد و یکپارچه برای سازماندهی اعتصابات سراسری بپا خیزند، یقیناً اینبار این کارگران و زنان و توده های وسیع مردم ایرانند که بر ویرانه های جمهوری اسلامی جشن پیروزی انقلاب را برپا خواهند کرد.

سرنگون رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۹ دی ماه ۱۴۰۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

به آنان تحمیل شده باز دارد، بلکه بار دیگر آنان را با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «زنده باد آزادی» به خیابان کشانده و خیابان ها را به میدان نبرد آنان با ارتجاع حاکم تبدیل کرده است. مهمتر اینکه با شکل گیری موج نوین اعتراضات، دانشجویان مبارز دانشگاه های تهران نیز از همان ساعات اولیه برخاستن اعتراضات خیابانی با سر دادن شعارهایی نظیر «نه پهلوی نه رهبری، دموکراسی و برابری»، «زن، زندگی، آزادی»، «نه پادگان نه بنگاه، زنده باد دانشگاه» و «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد» صحن دانشگاه ها را نیز به مبارزات خیابانی مردم پیوند زده اند.

در این میان نیروهای اندک به ظاهر سلطنت طلب - چه بسا نفوذی های امنیتی - سعی دارند با حضور در پاره ای از اجتماعات مردم مبارز و زخم خورده از دو ارتجاع اسلامی و سلطنتی و سر دادن شعارهایی به نفع رضا پهلوی کوشیده اند تا اعتراضات کنونی مردم ایران را همانند سال ۱۴۰۱ به انشقاق و دودستگی بکشانند. از این رو جا دارد زنان، جوانان و نیروهای پیشرو با طرد و انزوای سیاست های نئوفاشیستی آنان همراه با افشای اقدامات فاشیستی اسرائیل و تلویزیون های دست راستی «من و تو» و «ایران اینترنشنال» در جعل و صداگذاری روی فیلم های مبارزات خیابانی، روند مبارزات رو به رشد کنونی را تسریع کنند. و توده های وسیع مردم ایران نیز با هر چه بیشتر پیوستن به صفوف مبارزات خیابانی، اعتراضات مردمی را وسعت بخشند، اتحاد مبارزاتی خود را بیش از پیش مستحکم سازند و کسانی را که سعی دارند با نفوذ در صفوف مبارزاتی شان تفرقه ایجاد کنند، از خود دور سازند.

مهمتر از مبارزات خیابانی توده های کار و زحمت و همبستگی دانشجویان مبارز و آزادی خواه با مبارزات آنان در روزهای گذشته، شکل گیری و گسترش اعتصابات کارگری و پیوند خوردن آن با مبارزات خیابانی توده های مردم ایران است. خواسته ای به حق که جنبش خیابانی و جنبش دانشجویی می بایست در این روزهای سرنوشت ساز از طبقه کارگر ایران مطالبه کند. آنچه طی سه روز گذشته در خیابان

طی روزهای گذشته موجی از اعتراضات توده ای در تعدادی از شهرهای ایران به راه افتاده است. این اعتراضات که از روز یکشنبه هفتم دیماه ۱۴۰۴ در پی بالا رفتن بی سابقه بهای دلار و افزایش شدید قیمت ها با ترکیبی از اعتراض کسبه و مردم از بازار بزرگ تهران آغاز شد، در همان ساعات اولیه به خیابان جمهوری و پس از آن مناطق دیگری از تهران را فرا گرفت. موج تازه اعتراضات کنونی که ریشه در نارضایتی عمومی توده ها، تنگناهای معیشتی مردم، افزایش سرسام آور تورم، ناچیز بودن دستمزد و حقوق کارگران و زحمتکشان دارد، طی روزهای دوشنبه و سه شنبه نیز ادامه یافته و با کشیده شدن به شهرهایی نظیر اصفهان، مشهد، کرج، همدان، قشم، کیش، ملارد، ممسنی و کرمان ابعاد وسیعتری به خود گرفته است. سرعت گسترش اعتراضات مردمی از تهران به شهرهای دیگر همراه با طرح شعارهایی علیه خامنه ای و جمهوری اسلامی و حمایت سریع دانشجویان دانشگاه های تهران و دیگر دانشگاه های کشور بیانگر خشم و انزجار فرو خورده توده های زحمتکشی است که دیگر حاضر به تحمل جنایت جمهوری اسلامی نیستند. حاکمیتی مستبد و ارتجاعی که طی سال های متمادی مردم ایران را سرکوب، فقر و نداری را بر آنان تحمیل، میلیاردها دلار از دسترنج کارگران و زحمتکشان را صرف جنگ افروزی، گسترش نیروهای نیابتی و تأسیسات هسته ای خود کرده است. رژیم فاسد و ستمگر که به رغم این همه فقر و فلاکتی که بر کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل کرده است، اختناق بی حد و حصری را بر جامعه حاکم و هر حرکت اعتراضی مردم را با بگیر و ببند و زندان و اعدام و کشتار پاسخ داده است. چنانچه در همین دو روز گذشته نیز، برای متفرق کردن توده های معترض به سوی آنان گاز اشک آور پرتاب کرده، دانشگاهها را محاصره، معترضان را ضرب و شتم و در مواردی هم به سوی آنان گلوله شلیک کرده است.

اعتراضات روبه گسترش توده های مردم ایران در همین چند روز اخیر به روشنی نشان داده است، نه تنها کشتار و اعدام و زندان و بگیر و ببندهای سال های گذشته قادر نبوده است مردم تحت ستم را از مبارزه برای رهایی از فقر و فلاکت و تبعیضاتی که



اطلاعیه کمیته مرکزی کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

در محکومیت کشتار، دستگیری و احضار فعالان سیاسی در کردستان

فقط با اعتراضات متحدانه و یکپارچه می توان این موج سرکوب را به عقب راند!

کشتار، دستگیری، احضار و تهدید معترضان توسط حکومت اسلامی شدیداً محکوم می کند.

مردم مبارز و آزاده کردستان!

اعتراضات خیابانی و یا اعتصاب عمومی و یا هر شکل دیگری از بیان اعتراض حق اولیه و بدون قید و شرط شما، علیه گرانی و تورم افسارگسیخته و فقر فلاکت اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی است که رژیم جمهوری اسلامی به اکثریت مردم تحمیل کرده است. تجربه عینی همین چندین ماه گذشته و موج اعدام ها، دستگیری های گروهی فعالین اجتماعی، احضار و بازداشت، اخراج معلمان و تحت پیگرد قرار دادن آنها، کشتار کولبران، خودکشی ها و فقر و گرانی بی سابقه ای که به مردم تحمیل کرده و در نتیجه آن هزاران خانواده از هم پاشیده اند، نشان می دهد که هزینه انتظار به مراتب از هزینه اعتراض سنگین تر است. از اینرو کومه له از کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز کردستان می خواهد که علیه این موج کشتار و دستگیری ها و در همبستگی با موج تازه خیزش سراسری یکپارچه و متحدانه دست به اعتراض بزنند. حضور گسترده یکپارچه و متحدانه مردم چه در اعتصاب عمومی و چه در اعتراضات خیابانی می تواند بطور مؤثری قدرت سرکوب مزدوران جمهوری اسلامی را خنثی کند و انسجام آنها را در هم کوبد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی کومه‌له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۱۴ دی ماه ۱۴۰۴

۴ ژانویه ۲۰۲۶



از جمله جانباخته‌گانی که هویت شان مشخص شده عبارتند از: "رضا عظیم زاده، فارز آقامحمدی، محمد مقدسی (بزونه)، مهدی امامی‌پور و لطیف کریمی". ابعاد جنایات نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به کشتار خیابانی محدود نمانده و نیروهای امنیتی با هدف دستگیری مجروحان و به گروگان گرفتن پیکر جانباختگان، به شیوه وحشیانه به بیمارستانها نیز یورش بردند. طی روزهای اخیر همچنین دهها نفر دیگر از مردم شهرهای کرمانشاه، نورآباد، هرسین، دهلران، ملکشاهی، آبدانان، سرآبله را نیز دستگیر کرده‌اند که از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

علاوه بر آن روز یکشنبه ۱۴ دیماه در شهر سنندج نیز دستگاههای جاسوسی و امنیتی با یورش وحشیانه به منازل فعالان سیاسی، مدنی و زیست محیطی، ده نفر از آنان شامل بیان فرج‌اللهی، خالد سیف پناهی، آرمان سلیمی، قانع خاطری، دلیر اسکندری، جمال خدارحمی، کیوان زند کریمی، شاهو محمدی، وریا معید و خهبات اسدی را دستگیر کردند و به مکان نامعلومی بردند. این اعمال ضد انسانی نشانه ترس و وحشت رژیم جمهوری اسلامی و جلوه‌ای دیگر از سیاست دائمی سرکوب، ارعاب و قتل معترضان است که در برابر تحمیل فقر و گرسنگی، تبعیض و سلب آزادی به پا خاسته‌اند. رژیم اسلامی که در بحرانهای عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، منطقه‌ای، بین المللی و بحران مشروعیت دست و پا می زند، با توسل به کشتار و سرکوب قادر به ادامه حیات نخواهد بود و یقیناً با گسترش اعتصاب و اعتراضات سازمانیافته کارگران و توده‌های مردم تهدیدست سرنگون خواهد شد.

کمیته مرکزی کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، ضمن همدردی عمیق خود با خانواده جانباختگان موج تازه جنبش اعتراضی مردم در سراسر ایران و گرامی داشت یاد جانباختگان،

رژیم جمهوری اسلامی که با موج تازه اعتراضات مردم ایران علیه گرانی و بالا رفتن هر روزه قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز روزانه و سقوط ارزش تومان روبرو است، پاسخ مطالبات کارگران و توده‌های مردم معترض را با گلوله، کشتار، دستگیری احضار و اذیت و آزار می دهد. این رژیم جنایتکار



در پاسخ به موج اعتراضاتی که روز یکشنبه ۷ دیماه از بازار تهران شروع شد و به بیش از ۴۰ شهر ایران گسترش یافت، با اعزام نیروهای سرکوبگر امنیتی و نظامی مردم معترض را مورد یورش قرار داده است. بنا به آمارهای انتشار یافته بر اثر حملات نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی در عرض ۸ روز گذشته دست کم ۱۷ نفر از معترضان باشلیک مستقیم گلوله مزدوران رژیم اسلامی سرمایه، جانباخته‌اند؛ تعداد زیادی دیگر از مردم زخمی شده و بیش از ۶۰۰ نفر را نیز دستگیر و هزاران نفر از فعالان سیاسی و مدنی را هم احضار و تهدید کرده‌اند. این اعمال جنایتکارانه بخشی از راهبرد برنامه ریزی شده حاکمیتی است که بقای خود را در خاموش کردن هر شکل از اعتراض اجتماعی می بیند.

در همین رابطه در شهرهای کردستان از جمله در ملکشاهی و ایلام نیز بیش از ده نفر از مردم معترض به اوضاع فلاکت‌بار زندگی با شلیک مستقیم گلوله جنگی مزدوران حکومت اسلامی به قتل رسیده‌اند.

اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه‌له! مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه‌های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در هر محلی که هستید برسانید.



کمک مالی به
حزب کمونیست
ایران و کومه له

فراخوان مشترک

برای پیوستن به اعتراضات سراسری

و به عقب راندن ماشین قتل و سرکوب جمهوری اسلامی

متحد و یکپارچه به میدان بیاییم!

سرکوب مزدوران جمهوری اسلامی را بطور مؤثری خنثی نمایند، بلکه قادر خواهند بود انسجام آنها را در هم کوبند. بدون تردید اعتراضات یکپارچه، متحدانه و سراسری مردم کردستان می تواند، پاسخی قاطع به جنایات و تهدیدات سران رژیم جمهوری اسلامی باشد و اتحاد و همبستگی مردم کردستان با جنبش‌های پیشرو اجتماعی و اعتراضی در سراسر ایران در مبارزه علیه این رژیم جنایتکار را مستحکم‌تر کند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان**

شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

تشکیلات کردستان اتحاد سوسیالیستی کارگری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست

کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۱۷ دی ۱۴۰۴

۷ ژانویه ۲۰۲۶



**سایت شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست**

www.shorah.org



سیاسی و اجتماعی و در یک کلام برای سرنگونی جمهوری اسلامی به حرکت در آمده است. مردم آزادیخواه کردستان همانطور که در جریان جنبش انقلابی ژینا با پشتتازی خود به عنوان بخش جدایی ناپذیری از جنبش انقلابی سراسری به میدان آمدند و با عمل خود در بعد اجتماعی نشان دادند که رسیدن به اهداف خود و به عقب نشاندن جمهوری اسلامی را از مسیر اتحاد و همبستگی با اعتراضات سراسری تعقیب می کنند، ضروری است اینبار نیز همدوش و همبسته با مردم مبارز استانهای ایلام و کرمانشاه به صف اعتراضات سراسری بیوندند. مردم کردستان لازم است بار دیگر در همه شهرها یکپارچه و متحدانه به میدان بیایند و پاسخی قاطع و شایسته به جنایات و سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی بدهند.

کارگران، زحمتکشان، زنان، مردم مبارز کردستان!

از آنجا که سیل خروشان اعتراضات مردم بپاخاسته ایران علیه اوضاع فاجعه باری که جمهوری اسلامی به اکثریت مردم ایران تحمیل کرده است، ادامه دارد، ما امضا کنندگان این فراخوان همه شما مردم آزادیخواه را به اعتراض عمومی و سراسری علیه جمهوری اسلامی و جنایات و سرکوبگری‌های آن فرا می خوانیم.

از شما می خواهیم با تاکید بر حق اولیه و بدون چون و چرای آزادی اعتراض خیابانی، جنایات و سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی و یورش به صف اعتراضات مردم را قاطعانه محکوم کرده و خواهان آزادی کلیه دستگیرشدگان و زندانیان سیاسی شوید. با اعتراضات متحدانه خود جمهوری اسلامی را وادار کنید که به احضار و تعقیب و بگیر و ببند و پرونده‌سازی علیه فعالین جنبش‌های اجتماعی پایان دهد.

فعالین جنبش‌های اجتماعی در شهرهای کردستان با بکار گرفتن ابتکارات و تجارب خود در زمینه اطلاع رسانی از طریق شبکه‌های اجتماعی و ... با آماده کردن و بسیج گسترده توده‌ای، تدارک و آغاز اعتراضات با تجمع‌های بزرگ و ممانعت از آنکه نیروهای سرکوبگر بتوانند اعتراضات را به جنگ و گریز خیابانی تبدیل کنند، نه تنها می توانند قدرت

اعتراضاتی که روز یکشنبه هفتم دی ماه مصادف با هشتمین سالگرد خیزش دی ماه ۱۳۹۶ و در پی نوسانات بی‌سابقه بازار ارز و تأثیرات آن بر افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز روزانه مردم، آغاز شد اکنون دهمین روز خود را پشت سر گذاشته است. این اعتراضات در روزهای بعد به دانشگاه‌ها و ده‌ها شهر ایران گسترش یافت و معترضان در همه جا و در کف خیابان با شعار محوری مرگ بر دیکتاتور کل ساختار حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را هدف گرفته‌اند.



در برابر این موج تازه اعتراضات سراسری و رو به گسترش، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با استقرار نیروهای امنیتی، پلیس و گارد ویژه در نقاط مختلف تهران و شهرها و مناطقی که به قانون این اعتراضات تبدیل شده اند و با یورش به صف معترضان و به گلوله بستن آنها تاکنون جان ۳۶ تن از مبارزان را گرفته، ده‌ها نفر را زخمی و بیش از دو هزار نفر را دستگیر و روانه زندان کرده است. نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی در روزهای گذشته با حمله به صف مردم مبارز و آزادیخواه در شهرستان ملکشاهی در استان ایلام و به خون کشیدن اعتراض آنان و یورش به بیمارستان شهر ایلام برای به گروگان گرفتن مجروحان و پیکر جانباختگان که یادآور حملات دولت فاشیست اسرائیل به بیمارستان‌ها در غزه بود، قساوت و وحشیگری را به اوج خود رسانده اند.

این موج نیرومند جنبش اعتراضی در ادامه خیزش‌های توده‌ای و سراسری چند سال اخیر و در تداوم جنبش انقلابی ۱۴۰۱ برای پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی، پایان دادن به نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی، ملی، رفع محرومیت‌های

نیما مهاجر

درباره‌ی نسل آلفا و تحولات آینده

مطلب سوم

مادر، معلم) گفتگو می‌کنند و سوالهایشان را از chatgpt می‌پرسند؛ بنابراین رابطه‌ی آن‌ها با «دیگری» -چه انسانی چه غیرانسانی- در حال بازتعریف است. یادگیری زبان، ریاضی یا نقاشی را از اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی می‌آموزند. ربات‌ها، اسباب‌بازی‌های هوشمند و ابزارهای آموزشی تعاملی، نقش مربی دوم را دارند. این هم‌نشینی دائمی با هوش مصنوعی، یک دوگانگی مهم ایجاد می‌کند: از یک سو یادگیری سریع، چندرسانه‌ای و شخصی‌سازی شده و از سوی دیگر خطر کاهش تفکر انتقادی در صورتی که به پاسخ‌های آماده وابسته شوند. در واقع از آنجایی که از بدو تولد در معرض هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی هستند؛ درک تربیت آن‌ها حیاتی است. آن‌ها نسبت به نسل‌های پیشین روابط انسانی کمتری دارند. ممکن است مرز بین انسان و ماشین در ذهن این کودکان مبهم شود؛ و درک احساسات انسانی نیاز به آموزش آگاهانه داشته باشد. آن‌ها در عین حال، عطش عمیقی برای انسانیت و معنا خواهند داشت — چون می‌دانند دنیایشان بیش از حد ماشینی است.

ارزش‌های اصلی نسل آلفا هنوز در حال تثبیت‌اند، ولی در مجموع پژوهش‌های روان‌شناسی رشد و رفتار دیجیتال نشان می‌دهد که نسل آلفا چون محیط‌شان سریع و چندرسانه‌ای است، حوصله پردازش کند ندارند، تمرکز کوتاه‌تری دارند اما تشخیص الگوهای پیچیده برایشان آسان‌تر است، هر چیزی را بدون تحقیق باور نمی‌کنند و در نهایت دسترسی سریع به پاسخ‌ها برایشان ارزش محسوب می‌شود. آن‌ها از همان کودکی در محیط‌های چندفرهنگی و بین‌المللی بزرگ می‌شوند و «جهان‌وطنی دیجیتال» برایشان امری جاف‌افته و عادی است. دوست آنلاین در کشورهای مختلف برایشان طبیعی است و مفهوم ملیت برایشان انعطاف‌پذیرتر خواهد بود. خلق و ساختن به کمک ابزارهای تولید محتوا و هوش مصنوعی، بخشی از بازی روزمره‌شان است.

جهان‌بینی نسل آلفا از همان روز اول از میان «پیشنهادات الگوریتمی» شکل می‌گیرد. الگوریتم‌هایی که هدفشان تربیت انسان آزاد نیست؛ هدفشان تبدیل کودک به مصرف‌کننده، کاربر، و داده است. این همان چیزی است که مارکس می‌گفت: «سرمایه در هر ساحتی که وارد می‌شود، آن را به کالایی برای مبادله تبدیل می‌کند.» نسل

رسانه‌ای اهمیت حیاتی دارد چرا که برای این نسل، شرکت‌های فناوری نقش پدر/مادر دوم را دارند. پس نسل آلفا باید بدانند الگوریتم چگونه فکر می‌کند تا بتواند مستقل فکر کند.

نسل Alpha کودکی‌شان را با همه‌گیری کرونا (کووید ۱۹) استارت زدند و از همان ابتدای کودکی استفاده از موبایل یا لاقابل تبلت را فرا گرفته‌اند و با دنیای دیجیتال و آموزش‌های مجازی کاملاً آشنا هستند. اگر در یوتیوب Like Nastya را سرچ کنید متوجه می‌شوید که یک دختر بیچه نسل آلفایی ۱۱۲ میلیون مشترک داشته و با کمک تولید محتوا درآمدزایی چشمگیری دارد. این موضوع تسلط بسیار بالای نسل نوین به ابزارهای جدید را نشان می‌دهد. پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۲۵ این نسل تبدیل به بزرگترین و پرجمعیت‌ترین نسل بشوند. محتوای ویدیویی خیلی کوتاه (ریلز اینستاگرامی و تیک تاک) و ابزارهایی که سوالها را بصورت بصری و به سرعت پاسخ می‌دهند (مانند پینترست و هوش مصنوعی) در بین این نسل محبوبیت زیادی دارد. نسل آلفا که بحران همه‌گیری کرونا و بحران‌های اقلیمی را با گوشت و پوست و استخوان تجربه کرده است نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی نیز آگاهی و حساسیت بالایی دارد. نسل آلفا، نسلی است که به اظهار نظر، تعامل دوطرفه و در اختیار داشتن تریبون علاقه دارد، در واقع به شنونده بودن کفایت نمی‌کند و دوست دارد صدایش شنیده شود و موضوعات را در عمل تجربه کند.

آلفایی‌ها درکی چندحسی (Multisensory) دارند و دارای هویتی ترکیبی هستند، یعنی در زیست‌جهان آن‌ها، مجاز و واقعیت تمایز قطعی ندارد؛ در متاورس یا بازی هم «خود واقعی»‌شان را زندگی می‌کنند. بسیاری از کودکان آلفا ساعت‌ها با شخصیت‌های مجازی یا دستیارهای هوشمند (حتی بیش از پدر،

نسل آلفا (Generation Alpha) شامل کودکانی است که از ۲۰۱۲ تا حدود ۲۰۲۵ (در ایران از ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴) متولد می‌شوند، یعنی همان بیچه‌هایی که امروز در مهدکودک یا دبستان‌اند. آن‌ها اولین نسلی هستند که از بدو تولد در دنیای دیجیتال غوطه‌ورند، نه صرفاً آشنا با آن. آلفاها در دوران سلطه سرمایه‌داری دیجیتال به دنیا آمده‌اند و سرمایه‌داری قرن ۲۱ فقط یک سیستم اقتصادی نیست؛ یک سیستم آموزش، فرهنگ، سرگرمی، مصرف و هویت‌سازی است. این نسل، انسان پسا‌فناور است انسانی که فناوری نه ابزار او، بلکه محیط زیست اوست. والدینشان اغلب نسل Z یا Y هستند، والدینی که خودشان دیجیتال‌اندیش و آگاه از رسانه‌اند و این یعنی فاصله فناوری میان کودک و والد، در کمترین فاصله تاریخی ثبت شده است. این نسل، اغلب دنیا را مستقیم تجربه نمی‌کنند، بلکه به واسطه‌ی فناوری، از طریق «صفحه‌نمایش»‌ها و به صورت میانجی‌گری شده (Mediated) جهان را می‌بینند. اگر نسل Z با انفجار شبکه‌های اجتماعی و آغاز جهانی شدن دیجیتال پا به عرصه گذاشت و به کمک همین ابزارها هویت خود را بازتعریف می‌کرد، نسل آلفا همزمان با سلطه‌ی هوش مصنوعی، متاورس، عینک واقعیت افزوده، ربات خانگی و گجت‌ها متولد شده است و به کمک آن‌ها ذهن خود را بازمی‌سازد. اگر نسل Z «نسل بیان» بود، نسل آلفا «نسل تجربه» است؛ اگر نسل Z در پوشش و مدهایش به دنبال بیان فردیت خود بود، نسل آلفا گجت‌های همراه، پوشیدنی، خانگی و گجت‌های سرگرمی را بر اساس کاربردهایشان انتخاب می‌کند و هدف اصلی‌اش ممکن ساختن تجربه‌های جدید است. اگر در نسل‌های قبل «کتاب، محله و خانواده» منابع اصلی شناخت بودند، در نسل آلفا بخش زیادی از تجربه زیسته در محیطی شکل می‌گیرد که الگوریتم‌ها چیده‌اند. به همین دلیل نقش والدین و مدرسه در آموزش سواد الگوریتمی و سواد



جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات داخل کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
داخل شهرها

komite.shahrha@gmail.com

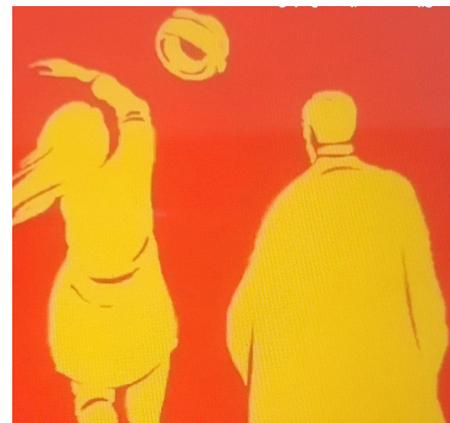
اما تضادهای سرمایه‌داری اینجا هم خودش را نشان می‌دهد و تضاد همواره مبارزه برای رهایی را جرقه می‌زند. در یکسو سرمایه‌داری دیجیتال حضور دارد که می‌خواهد جهان را از طریق داده و کنترل بازسازی کند و در سوی دیگر نسل‌های جدید (Z و Alpha) هستند که بیشترین حساسیت را نسبت به آزادی، هویت، بدن، عدالت، محیط‌زیست و برابری دارند. سرمایه‌داری جهانی با ترکیبی از نابرابری ساختاری، امپریالیسم فناورانه، سیستم‌های سفت و سخت نظارتی، جنگ‌های سایبری، فاشیسم نوین و بحران اقلیمی، آینده انسانی را محدودتر کرده؛ و در مقابل، کارگران، زنان، اقلیت‌ها، جوانان و مهاجران در سراسر جهان در حال شکل دادن به اشکال تازه‌ای از مقاومت‌اند.

نسل آلفا وارث همین میدان نبرد است:

میان دنیایی که از توده‌ها برده‌ی الگوریتم می‌سازد و فناوری را برای کنترل و سود به کار می‌گیرد؛ و دنیایی که می‌خواهد از همان فناوری برای آزادی، عدالت و برابری استفاده کند.

گفتم که نسل آلفا هنوز در حال شکل‌گیری است؛ باید بدانیم در ۲۰۱۰-۲۰ سال آینده چه ارزش‌ها و مهارت‌هایی خواهند داشت. امروز این نسل در شرایطی بزرگ می‌شود که جهان بر سر دوراهی «یا سوسیالیسم یا بربریت» قرار گرفته است. از یکسو توحش افسارگسیخته‌ی امپریالیسم جهانی در قامت فاشیسم، جنگ‌های الکترونیک و نسل کشی و کشتار جمعی خود را نشان می‌دهد و از سوی دیگر کارگران، زنان، جوانان، مهاجران و توده‌های ستم‌دیده ناچارند در ابعاد جهانی به میدان بیایند، به سوی سوسیالیسم خیز برداشته و هر چه زودتر به این نکبت سیاه سرمایه‌داری پایان دهند. اما این هنوز پایان کار نیست، از امروز «نسل بتا» نیز وارد ادبیات جامعه شده است. نسلی که با هوش مصنوعی همزمان است و در بیست سال آینده شاهد تحولات بزرگی در آموزش، خدمات، بهداشت، و احتمالاً تعامل بزرگی با ربات‌ها خواهد داشت. در دهه‌های آینده سرعت تحولات اجتماعی، سیاسی و فناورانه چنان بالاست که دیگر هیچ نسلی شبیه نسل قبلی نخواهد بود. این تغییرات با تغییرات سریع‌تر اجتماعی همراه است. و یک چیز روشن است: برای مواجهه با این آینده، باید هم دانش بیشتری داشته باشیم، هم آگاهی طبقاتی عمیق‌تر، هم حساسیت انسانی بیشتر. رفقا! کمربندها را ببندیم؛ جهان تازه‌ای در راه است.

آلفا بین آزادی دیجیتال و استثمار دیجیتال گیر کرده‌اند. این بچه‌ها با یک کلیک می‌توانند: یاد بگیرند، بازی بسازند، نقاشی خلق کنند، به زبان‌های مختلف حرف بزنند و همین باعث



می‌شود حس کنند همه چیز ممکن است. اما سیستم سرمایه‌داری نیز همین «حس آزادی» را مدیریت می‌کند. پلتفرم‌ها به آن‌ها حکم می‌کنند: سریع خوشحال شو، سریع مصرف کن، سریع سرگرم شو و در نهایت سریع فراموش کن. به همین دلیل نسل آلفا در معرض استثمار توجه است. داده‌های آن‌ها از بدو کودکی استخراج می‌شود و به محصولی برای خرید و فروش تبدیل می‌شود. از دیدگاه مارکسیستی: «نسل آلفا اولین نسلی است که از بدو تولد به بخشی از نیروی کار داده‌ای (Data Labor Force) تبدیل می‌شود.»

کودکان نسل آلفا با بحران بزرگ جهان سرمایه‌داری بزرگ می‌شوند؛ به همین دلیل، این نسل از کودکی یاد می‌گیرد که «جهان امن نیست»، «سیستم قابل اعتماد نیست»، «بزرگترها کنترل ندارند» و «جهان دیجیتال از جهان واقعی قابل پیش‌بینی‌تر است». این حس ناامنی جهانی، از آلفا نسلی می‌سازد که هم حساس‌تر است، هم بی‌اعتمادتر و هم سیاسی‌تر؛ حتی اگر هنوز خودش نداند. نسل آلفا در جهانی بزرگ می‌شود که بیش از هر زمان دیگری سیستم اقتصادی را شفاف می‌بیند. آن‌ها از کودکی یاد می‌گیرند که: چه کسی پول دارد، چه کسی ندارد، چه کسی آزاد است، چه کسی نیست، چه کسی دیده می‌شود، چه کسی سانسور می‌شود. بسیاری باور دارند که به احتمال زیاد این آگاهی زودهنگام، زمینه سیاسی‌ترین نسل تاریخ را می‌سازد. این موضوع در ایران نیز صادق است. یک کودک دبستانی می‌فهمد: چرا اینترنتش فیلتر است، چرا معلمش اعتصاب می‌کند، چرا پدرش شغل ثابت ندارد، چرا شهرش آب ندارد، چرا خانواده‌اش زیر فشار است، چرا دخترعموهایش به قتل می‌رسند و چرا بچه‌هایی مثل کیان پیرفلک کشته شدند.

با گسترش و سراسری کردن اعتراضات پاسخ دندان شکنی به تهدیدات خامنه ای بدهیم!

دارند. کارگران که قربانیان اصلی این فقر و فلاکت و گرانی هستند لازم پاسخ تهدیدات خامنه ای را با سازماندهی اعتصابات سراسری در مراکز اصلی تولید و خدمات بدهند.

هراس سران جمهوری اسلامی از «اغتشاش» را باید به کابوس مرگ این رژیم جنایتکار تبدیل کرد و این زمانی اتفاق می افتد که خیابان و کارخانه به هم پیوند بخورد؛ زمانی که اعتصابات کارگری به اعتراضات خیابانی پیوند بخورند. زمانی که اعتصابات کارگری به ستون فقرات اعتصابات سیاسی توده ای تبدیل گردد و ماشین سرکوب جمهوری اسلامی را فلج کند. زمانی که کارخانه، مدرسه، دانشگاه و محله به شبکه ای واحد از مقاومت و تعرض بدل شوند و پایه های قدرت اقتصادی و سرکوب نظام سرمایه داری اسلامی را فلج کنند.

در این دوره انقلابی و بر بستر گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای است که تلاش فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی برای سازمانیابی این جنبش ها وارد فاز نوینی می گردد. باید بر بستر گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری برای برپایی شورای های کارگری، و دیگر تشکل های توده ای کارگران نظیر اتحادیه و سندیکا تلاش کرد. زنان و جوانان در محلات بر متن این اعتراضات و با تکیه بر شبکه های اجتماعی به هم مرتبطی که دارند کمیته ها و شورای محلات را ایجاد کنند. لازم است تلاش گرد شعارهایی نظیر «آزادی، برابری، اداره شورایی» و «نان، کار، آزادی، اداره شورایی» را توده گیر کرد. مسئله فقط سرنگونی جمهوری اسلامی به شیوه انقلابی نیست، کارگران و توده های مردم ضروری است که تصویر روشنی از ماهیت حکومتی که بعد از جمهوری اسلامی سر کار می آید داشته باشند. باید بر ویرانه های جمهوری اسلامی حاکمیت شورایی کارگران و مردم ایران پایه ریزی گردد.



ارتجاعی رژیم و اعتراض به عنوان ابتدایی ترین حق ابراز نظر و ابراز وجود آزادانه توده ها نیست. اعتراضی که نظم موجود را به چالش نکشد، تحمل می شود؛ اما هر اعتراضی واقعی عاملان اصلی وضع فاجعه بار موجود را مورد تعرض قرار دهد، «اغتشاش» نام می گیرد و مستحق سرکوب معرفی می شود.

طبقه کارگر و فرودستان تا زمانی که نارضایتی شان در چهارچوب تنگی که رژیم اسلامی تعیین کرده محدود بماند، می توانند مخاطب «دلسوزی» ظاهری باشند. اما به محض آن که این خشم به اعتصاب، اشغال، تحصن یا خیزش خیابانی علیه کلیت نظام بدل شود، بلافاصله به مسئله ای «امنیتی» تبدیل می گردد. یکی از ستون های ثابت خطابه های خامنه ای، نسبت دادن هر موج اعتراض به «دشمن خارجی» و «جنگ نرم» است. این رویکرد، در عمل به انکار سوژه گی سیاسی، طبقات فرودست و نسل جوان می انجامد. مردمی که از گرانی، بیکاری، دستمزد ناچیز و فساد ساختاری به ستوه آمده اند، تا زمانی که در چارچوب های بی خطر سخن بگویند «خودی» محسوب می شوند؛ اما وقتی خیابان را به میدان ابراز نظر و مبارزه مستقیم بدل می کنند، هویت شان به «عامل دشمن» تغییر می یابد. این جابه جایی زبانی، ابزار کلیدی مشروعیت بخشی به خشونت دولتی است. کشتن یا زندانی کردن «اغتشاشگر مزدور دشمن» دیگر کشتن فرزند طبقه کارگر یا جوان فرودست نیست، بلکه «دفاع از امنیت ملی» جلوه داده می شود. این تصویر دو کارکرد هم زمان دارد: از یک سو تضاد اصلی میان کار و سرمایه را می پوشاند و از سوی دیگر می کوشد اقشار مردد را پشت سر دولت حاکم بسیج کند.

در شرایطی که بحران اقتصادی و سقوط ارزش پول ملی زندگی میلیون ها نفر را ویران کرده است، حاکمیت به جای پاسخ گویی، مسیر خشم اجتماعی را به بیرون منحرف می کند. «دشمن خارجی» به سپری ایدئولوژیک بدل می شود تا هم مسئولیت از دوش طبقه حاکم برداشته شود و هر شکل سازمانیابی رادیکال از پایین، به نام «پروژه دشمن» سرکوب گردد.

این تهدیدات و فرمان تشدید سرکوب خامنه ای را باید با گسترش اعتراضات و هر چه توده ای تر کردن و سراسری کردن اعتراضات پاسخ داد. مسئله محوری به هم پیوستن خشم و اعتراض کارگران، تهرستان، حاشیه نشینان، دانشجویان و جوانان عاصی از فقر و بیکاری و بی حقوقی های اجتماعی و زنان آزاده ای است که پرچم مبارزه علیه آپارید جنسیتی را در دست

سخنان اخیر خامنه ای درباره «معترض» و «اغتشاشگر» و ضرورت «به جای خود نشان دادن اغتشاشگر»، در تداوم منطقی استراتژی تشدید سرکوب در مواجهه جمهوری اسلامی با هر خیزش توده ای قرار دارد؛ خیزش هایی که ریشه در فقر، تبعیض ساختاری و سرکوب سیاسی دارند. این تفکیک ظاهراً حقوقی میان اعتراض «مجاز» و «اغتشاش»، در واقع پوششی ایدئولوژیک برای مشروعیت بخشی به سرکوب خشن، بازداشت های گسترده و امنیتی کردن کامل فضای جامعه است.



این تهدیدها بیان عریان نقش حاکمیت سرمایه داری اسلامی به عنوان ابزار سازمان یافته خشونت طبقاتی است؛ رژیمی که وظیفه اصلی اش پاسداری از مناسبات ظالمانه سرمایه داری و بازتولید نظم ارتجاعی است. سخنرانی خامنه ای دستورالعمل هایی عملی برای دستگاه سرکوب اند. مفهوم «اغتشاش» در گفتمان رسمی جمهوری اسلامی، واژه ای عمیقاً طبقاتی و سیاسی است. این مفهوم برای جرم انگاری هر تلاش سازمان یافته یا خودانگیخته توده های فرودست به کار می رود؛ تلاشی که از مرز اعتراض بی خطر، کنترل شده و بی اثر عبور کند. هنگامی که ولی فقیه جمهوری اسلامی، معترضان خیابانی را «مزدور دشمن» یا «عامل ناامنی» می نامد، کل مبارزه زنده طبقاتی را از محتوای مادی و اجتماعی اش تهی می کند. اعتراض دیگر واکنشی عقلانی به فقر، استثمار و تحقیر نیست، بلکه به «توطئه ای بیرونی» فروکاسته می شود. بدین سان، هر پرسش درباره ریشه های واقعی بحران، یعنی مناسبات اقتصادی، طبقاتی و سیاسی، از دستور کار خارج می شود.

این وارونگی آگاهانه، همان کارکرد تحریف آگاهی اجتماعی به نفع طبقه حاکم و پنهان سازی مناسبات واقعی قدرت و استثمار را دارد. در این چارچوب، جمله «با معترض حرف می زنیم، اما اغتشاشگر را باید سر جای خود نشانند» چیزی جز خط کشی میان اعتراض بی خطر و کنترل شده در چهارچوب قوانین

تلویزیون آلترناتیو شورایی

www.alternative-shorai.tv



حمایت تشکلهای و نهادهای کارگری و اجتماعی از جنبش اعتراضی دیماه ۱۴۰۴ گسترش می یابد!

برد و نوشت: "آنچه امروز در خیابانها و میدانی و محلات جریان دارد، فریاد خشم و رنج مردمی است که استخوانهایشان زیر بار فقر، تبعیض، تحقیر و بی عدالتی خرد شده است. تورم افسارگسیخته، سقوط قدرت خرید، نابودی آموزش و درمان، گسترش فقر و بی ثباتی، محصول مستقیم سیاستهایی است که نه برای مردم، که علیه آنان بوده است. تجربه های تلخ گذشته نشان داده اند که هر جا مردم حذف شده اند، آزادی و عدالت قربانی شده است." این شورا نوشت در هشتمین روز اعتراض خیابانهای ایران شاهد حضور جوانانی بود که دانش آموزان اما در فهرست کودکان و بازداشت شدگان و کشته شدگان قرار دارند. کشتن دانش آموزان جنایت علیه جامعه است.

علاوه بر تشکلهای ذکر شده، طی ۱۲ روز گذشته، احزاب و جریانات سیاسی چپ و کمونیست، اتحادیه آزاد کارگران، تشکلهای و فعالان مدنی، صنفی، فرهنگی و حقوقی بسیاری از جمله فعالان جنبش زن، "مادران پارک لاله"، کانون نویسندگان، "اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان کامیون سراسر ایران"، تشکلهای دانشجویی دانشگاههای تهران، بهشتی، کردستان، علامه، علم و صنعت و تربیت مدرس و غیره، جمعی از وکلای دادگستری، ۸۰ نفر از فیلم نامه نویسان سینما، ۱۸۴ سینماگر ایران، انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند و ... هریک با انتشار اطلاعیه و بیانیه هایی حمایت و پشتیبانی خود را از معترضان ابراز داشته اند.

اعلام حمایت و همبستگی و به میدان آمدن تشکلهای کارگری و صنفی و مدنی یکی از نقاط قوت جنبش اعتراضی کنونی است که شرایط ذهنی مناسبتری را برای توده های شدن اعتراضات بعنوان یکی از شرطهای اصلی پیشروی جنبش اعتراضی فراهم می آورد و قدرت سرکوب جنبش اعتراضی توسط رژیم جمهوری اسلامی را محدود می سازد. سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به فقر و گرسنگی، تبعیض و نابرابری و محرومیت سیاسی و اجتماعی، در گرو گسترش و توده ای شدن جنبش اعتراضی و به میدان آمدن طبقه کارگر و شکل دادن به عنصر رهبری و گستراندن افق و استراتژی انقلابی و سوسیالیستی است.



بیانیه ۸ تشکل کارگری و مدنی شامل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، اتحاد بازنشستگان، انجمن برق و فلز کرمانشاه، ندای زنان ایران، دادخواهان و اعدام نکنید، اشاره نمود. این ۸ تشکل در بخشی از بیانیه خود نوشته اند: "هدف از اعتراضات، ساختن جامعه ای است که در آن یک اقلیت غارتگر نتواند از فراز سر مردم برای سرنوشت شان تصمیم بگیرد. تداوم قاطعانه اعتراضات، گسترش اعتصابات و اتحاد ضامن پیشروی مطالبات و تحقق آرزوهای مردم است. مسیری که انتخاب شده به بردگی، فقر، خفت و نابرابری پایان خواهد داد."

از سوی دیگر چهار تشکل کارگری دیگر (سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، کارگران بازنشسته خوزستان و گروه اتحاد بازنشستگان) نیز طی بیانیه ای به تاریخ ۱۳ دیماه، ضمن حمایت و پشتیبانی از اعتراضات جاری اعلام کرده اند که: "تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کارگران، معلمان، زحمتکشان شهر و روستا، زنان، جوانان و ملت های تحت ستم، روی آرامش، آسایش و رفاه اجتماعی نخواهد دید. فقر مطلق، تورم روزافزون و گرانی افسار گسیخته همگی ناشی از ساختار نظام بحران زده سرمایه داری است و جمهوری اسلامی نه تنها قادر به پاسخگویی آن نیست بلکه هر تلاش و مبارزه کارگران و زحمتکشان را با سرکوب و کشتار و زندان پاسخ می گوید."

"سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه"، هم با حمایت از اعتراضات به حق مردم محروم تأکید کرده که مردم معترض حق دارند علیه سیاستهای سرکوبگرانه حکومت؛ حمله به معیشت عمومی؛ فساد ساختاری و شکافهای طبقاتی به خیابانها بیایند و اعتراض خود را به کلیت نظام و مناسبات سرمایه داری اعلام کنند. رضا شهابی عضو فعال این سندیکا خواستار آن شد که فعالان کارگری با صدایی بلند اعلام کنند ما در کنار مردم محروم و ستم دیده ایستاده ایم. این تشکل "چاره کارگران و زحمتکشان را وحدت و تشکیلات دانسته و بر نقش تاریخی و تعیین کننده طبقه کارگر، با اتکا به آگاهی، سازمانیافتگی و همبستگی کارگران و خانواده های آنان تأکید کرده است.

"شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" نیز طی بیانیه ای خود را جز جدایی ناپذیر از مردم نام

جنبش اعتراضی سراسری در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی شاهد پیوستن شهرها و مراکز بیشتری به موج جدید اعتراضات بود. در این روز در بسیاری از شهرهای ایران و به ویژه کردستان اعتصاب و اعتراضات بازار و کسبه و دیگر اصناف در جریان بود. در برخی شهرها نیز مردم معترض با نیروهای سرکوبگر امنیتی و نظامی به تقابل پرداختند.

گسترش اعتراضات و اعتصاب یک هفته پس از تهدیدات علی خامنه ای در روز شنبه ۱۳ دی است که مردم معترض را "اغتشاشگر" نامید و به نیروهای سرکوبگر فرمانی داد (اغتشاشگران را سرجای خود بنشانند). البته نیروهای مزدور سرکوبگر رژیم به مقابله با مردم پرداخته و بسوی آنان تیراندازی کرده اند و بر اثر آن تاکنون بیش از ۴۰ نفر از جوانان و نوجوانان جانباخته اند. در همین رابطه محسنی اژه ای رئیس جلال قوه قضائیه رژیم نیز روز سه شنبه ۱۶ دی ماه در جمع نیروهای مزدور فرجا با حضور سرپاسدار رادان، رو به قضات دستور داد که: "برای رسیدگی سریع به پرونده عناصر اغتشاشگر، شعبه های ویژه تشکیل دهند و محاکمه این افراد نباید به ماههای آینده موکول شود و احکام سنگین صادر کنند". با وجود این، تهدیدات خامنه ای و دیگر مقامات جمهوری اسلامی نسبت به میلیونها نفر از مردم مبارز و معترض به فقر و فلاکت و گرسنگی و علیه دیکتاتوری در حالی است که تعداد زیادی از تشکلهای و نهادهای کارگری و دیگر اقشار جامعه در ایران، با صدور اطلاعیه و بیانیه هایی ضمن محکوم نمودن رویکرد سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه معترضان و کشتار و دستگیری آنان، از اعتراضات و اعتصاب آنان حمایت و پشتیبانی به عمل آورده اند. تشکلهای مزبور در اطلاعیه و بیانیه های خود تحلیل و دیدگاه خود در رابطه با موج جدید اعتراضات که تا کنون بیش از صد شهر را فراگرفته و در حال گسترش است، بیان کرده اند.

نگاهی به محتوای سیاسی اطلاعیه و بیانیه های صادر شده در این مورد نشان می دهد که از نظر کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار جامعه حکومت جمهوری اسلامی به دلایل مادی و عینی مشروعیتی ندارد و باید سرنگون گردد. مردم معترض نیز عدم مشروعیت حکومت اسلامی را به روشن ترین وجه در شعارهایی از قبیل، "مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر، جمهوری اسلامی نمی خواهیم، نه شاه باشه نه ملا قدرت به دست شورا" و غیره، ابراز داشته اند. در این رابطه می توان به:

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

علیه استراتژی ترامپ و راست جدید در آمریکا

دخالت‌گری امپریالیستی در آمریکای لاتین و مانورهای جنگ‌افروزانه در ونزوئلا را محکوم می‌کنیم!

«سند امنیت ملی» است که اخیراً توسط ترامپ منتشر شده است. سندی که به روشنی نماد گذار به جهان چندقطبی جدید است. بخش مهمی از این سند، استراتژی امپریالیسم آمریکا در منطقه کارائیب و آمریکای لاتین را روشن می‌سازد. کابینه ترامپ در این سند بر احیای «دکترین مونرو» تأکید دارد؛ دکترینی که به سیاست آمریکا در سال ۱۸۲۳ باز می‌گردد و پیام آن در آن دوره به قدرت‌های اروپایی این بود که آمریکای لاتین بخشی از حوزه نفوذ و «حیط خلوت» ایالات متحده است. در همین راستا، پیتر هگست، وزیر جنگ آمریکا، اعلام کرد: «با رئیس‌جمهور ترامپ، ما قرار است حیط خلوت‌مان را پس بگیریم.»

بازخوانی دکترین مونرو از سوی ترامپ در «سند امنیت ملی» به معنای مقابله با نفوذ اقتصادی چین و بیرون راندن رقبای از عرصه‌های نفوذ سیاسی، نظامی و دیپلماتیک در آمریکای لاتین است. گسترش تحریم‌ها، دخالت در انتخابات کشورهای مختلف به نفع راست جدید، دزدی دریایی و مصادره کشتی‌ها، و سیاست‌های جنگ‌افروزانه و رژیم‌چنجی در ونزوئلا و ایجاد ناامنی در منطقه، اجزای به‌هم‌پیوسته استراتژی جدید امپریالیسم آمریکا را تشکیل می‌دهند و به روشنی ادعاهای مضحک «صلح‌طلبی» ترامپ را افشا می‌کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن اعلام همبستگی با کارگران و زحمتکشان، چپ انقلابی و نیروهای مترقی در آمریکای لاتین، هرگونه مداخله فاشیستی و جنگ‌طلبانه امپریالیسم آمریکا و دیگر نیروهای مرتجع در این منطقه را محکوم کرده و خواهان جلب توجه افکار عمومی و پایان دادن به این شرایط پرخطر است.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری

جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۲۷ دسامبر ۱۴۰۴ / ۶ دی ماه ۱۴۰۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



گرفت. این جنبش‌ها فرصتی در اختیار احزاب و جبهه‌های چپ یا مدعی چپ قرار داد تا با طرح مطالباتی چون بهداشت همگانی، آموزش رایگان، تحقق حقوق زنان، بهبود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان، تقویت اتحادیه‌های کارگری و گسترش آزادی‌های سیاسی و مدنی، به قدرت پارلمانتاریستی دست یابند و رفرم‌هایی را نیز پیش ببرند.

با این حال، طی دهه گذشته، اگرچه این جنبش‌ها دستاوردهای مهمی داشته‌اند، اما اغلب احزاب و جبهه‌های مذکور، چه به اختیار و چه از سر اجبار، و تحت تأثیر سیاست‌هایی که نهادهای بورژوازی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تحمیل می‌کردند و یا اینکه در نتیجه فشارهای دیپلماتیک قدرت‌های سرمایه‌داری و تنگناهای ساختاری نظام سرمایه‌داری، نتوانستند یا نخواستند به وعده‌های خود عمل کنند. بدین ترتیب، در سال‌های اخیر، بسیاری از این احزاب و جبهه‌ها ناچار یا به خواست خود در سیستم ادغام شده، دفرمه و یا ناکارآمد شده و یا اینکه به فساد آلوده شده‌اند.

حکومت مادورو در ونزوئلا نیز یکی از همین نمونه‌هاست که برای حفظ قدرت، به فساد، باج‌دهی به نظامیان و تقویت موقعیت مالی بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌های دولتی متوسل شده و به هر ترفندی دست زده است که نتایج آن باعث آوارگی صدها هزار شهروند ونزوئلایی شده است. با این همه، این یک اصل پذیرفته شده است که مردم هر جامعه باید خود سرنوشت سیاسی‌شان را تعیین کنند. تجربه نیز نشان داده است که کودتاها و سیاست‌های رژیم‌چنجی، عملاً تنها منافع دولت‌های امپریالیستی و دست‌نشانندگان آنان را تأمین کرده و اغلب اوضاع را وخیم‌تر می‌کند؛ همان‌گونه که در عراق و افغانستان پس از حمله آمریکا رخ داد.

همچنین نگاهی به تجربه این احزاب و جبهه‌های مدعی چپ بار دیگر یکی از اصول استراتژی سوسیالیستی را ثابت می‌کند که جابجایی و دست بدست شدن قدرت در ساختار دولت بورژوازی مشکلات ناشی از ساختار سرمایه‌داری را حل نمی‌کند بلکه شرط لازم سرنوشتی انقلابی درم شکستن ساختار سیاسی و دستگاه بوروکراتیک-نظامی بورژوازی و ایجاد حاکمیت شورایی برای گسترش رفاه، آزادی‌های سیاسی و تأمین منافع کارگران و زحمتکشان است. نکته‌ای که جمع ما همواره بر آن تأکید داشته است.

همه ادعاهای توسعه طلبانه کنونی آمریکا بر مبنای

در ماه‌های گذشته، سیاست‌های دخالت‌گرایانه، «رژیم‌چنجی» و جنگ‌افروزانه امپریالیسم آمریکا در کشورهای مختلف آمریکای لاتین تشدید شده است. محور سیاست‌های ترامپ، مقابله با گرایش‌های چپ‌گرا و حمایت از راست نئوفاشیستی در برابر احزاب و جبهه‌های چپ در آمریکای لاتین بوده است. این سیاست‌ها در اشکال گوناگونی همچون افزایش تحریم‌ها، فشارهای دیپلماتیک، دخالت در انتخابات و حمایت آشکار و علنی از نیروهای راست فاشیستی در کشورهایی چون برزیل، کوبا، السالوادور، بولیوی، نیکاراگوئه، گواتمالا و... بروز یافته است.

اخیراً دولت ترامپ به‌طور آشکار در انتخابات آرژانتین دخالت کرد و با اعلام حمایت مالی و انجام تبلیغات گسترده، زمینه افزایش آرا و انتخاب مجدد خاویر میلی، چهره دست‌راستی، را فراهم ساخت. انتخابات در هندوراس با دخالت آمریکا به نفع دست‌راستی‌ها تمام شد. در انتخابات شیلی نیز حوزه آنتونیو کاست، نامزد راست‌گرای طرفدار ترامپ و مدافع پینوشه، با وعده وام‌های کلان و حمایت مالی، سیاسی و دیپلماتیک آمریکا، آرای قابل توجهی کسب کرد. با این حال، در هفته‌های اخیر، سیاست آشکار رژیم‌چنجی دولت ترامپ علیه حکومت نیکلاس مادورو در ونزوئلا نمود برجسته‌تری یافته و بازتاب گسترده‌تری در عرصه بین‌المللی داشته است.

آمریکا آشکارا، به بهانه‌های مختلف از جمله ادعای مضحک «مبارزه با مواد مخدر»، ناوگان جنگی خود را به منطقه کارائیب اعزام کرده و تاکنون دو کشتی حامل نفت ونزوئلا را مصادره نموده است. همچنین خواهان استعفای مادورو شده و حتی او را به دخالت نظامی برای سرنگونی تهدید کرده است. این اقدامات نقض آشکار حقوق و روابط بین‌الملل بورژوازی-لیبرالی و دخالت مستقیم در امور داخلی کشورهای دیگر است؛ حقوقی که لیبرال‌دموکراسی‌ها همواره مدعی دفاع از آن بوده‌اند، هرچند توخالی بودن این ادعا با کودتاها متعدد، به‌ویژه در آمریکای لاتین، بارها به اثبات رسیده است.

تأکید بر محکومیت سیاست‌های دخالت‌گرایانه و جنگ‌طلبانه آمریکا، به‌هیچ‌وجه به معنای نادیده گرفتن ناکارآمدی‌ها، محدودیت‌ها یا فساد احزاب و جبهه‌های پارلمانتاریستی چپ در آمریکای لاتین نیست. در این منطقه و حوزه کارائیب، از اوایل قرن جاری و طی بیش از یک دهه، مجموعه‌ای از جنبش‌های مترقی علیه سیاست‌های نئولیبرالی سرمایه‌داری و در جهت بهبود شرایط زندگی شکل

اطلاعیه دفتر روابط بین الملل حزب کمونیست ایران

در محکومیت تجاوز نظامی ایالات متحده آمریکا به ونزوئلا و اهداف امپریالیستی آن

کمیته بین الملل حزب کمونیست ایران همبستگی خود را با مردم ونزوئلا، به ویژه طبقه کارگر و نیروهای مترقی این کشور اعلام می کند. دفاع از ونزوئلا در این مقطع، دفاع از حق ملت ها برای تعیین سرنوشت خویش و مخالفت با جنگ افروزی به عنوان ابزار دائمی بقای نظام سرمایه داری جهانی است.

ما از تمامی احزاب کمونیست، سازمان های کارگری، جنبش های انقلابی و رادیکال جهان می خواهیم که با محکومیت صریح این تجاوز، برای توقف فوری عملیات نظامی، خروج نیروهای متجاوز و پایان دادن به سیاست های امپریالیستی ایالات متحده بسیج شوند. تنها از مسیر همبستگی بین المللی و مبارزه آگاهانه و مشترک است که می توان در برابر جنگ، غارت و سلطه ایستاد.

دفتر روابط بین الملل حزب کمونیست ایران

۳ ژانویه ۲۰۲۶

سیزدهم دیماه ۱۴۰۴



از سایت های حزب
کمونیست ایران
و کومه له
دیدن کنید!

سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



سایت کومه له

www.komala.co



است که چنین مداخلاتی همواره با ویرانی اقتصادی، فروپاشی اجتماعی و گسترش فقر برای توده های مردم همراه بوده است. همچنین سکوت یا همراهی قدرت های بزرگ و نهادهای بین المللی در برابر این تجاوز، بار دیگر ماهیت واقعی نظم جهانی موجود را آشکار می سازد؛ نظمی که در آن حقوق ملت ها و جان انسان ها در برابر منافع سرمایه و ماشین جنگی امپریالیسم بی ارزش شمرده می شود.

کمیته بین الملل حزب کمونیست ایران تجاوز نظامی آشکار ایالات متحده آمریکا به ونزوئلا را به عنوان جنایتی سازمان یافته علیه مردم این کشور و نمونه ای روشن از سیاست های تهاجمی سرمایه داری انحصاری جهانی، قاطعانه محکوم می کند. حملات هوایی به کاراکاس، هدف قرار دادن پایگاه های نظامی و زیرساخت های حیاتی اقتصادی، به ویژه پالایشگاه های نفت، نشانه های آشکار آغاز هم زمان عملیات زمینی و هوایی، بیانگر ورود امپریالیسم به مرحله ای خطرناک تر از مداخله مستقیم است که پیامدهای انسانی و اجتماعی گسترده ای در پی خواهد داشت.

در عین حال، کمیته بین الملل حزب کمونیست ایران تأکید می کند که محکومیت قاطع این تجاوز نظامی به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن سیاست ها، عملکرد یا جهت گیری های دولت نیکلاس مادورو و ماهیت و ساختار قدرت حاکم در ونزوئلا نیست. بحران عمیق اقتصادی، فساد نهادینه شده در دستگاه بوروکراسی حاکم، محدود کردن نقش نهادهای مردمی و تضعیف سازمان یابی مستقل طبقه کارگر در ونزوئلا، واقعیت هایی هستند که همواره مورد اعتراض پیگیر سازمانها و نهادهای کارگری در داخل ونزوئلا و سازمانها و جریان های سوسیالیستی در سطح بین المللی بوده است. با این همه، ماهیت ساختار حکومتی و سیاست دولت مادورو و ناکارآمدی و ناتوانی آن در کنترل بحران های داخلی، مجوزی برای تجاوز نظامی خارجی و کشتار غیرنظامیان نیست. قربانیان اصلی این جنگ ها، همواره کارگران، زحمت کشان و اقشار فرودست اند؛ همان نیروهایی که بیشترین آسیب را از تحریم، جنگ و بی ثباتی متحمل می شوند و کمترین نقشی در تصمیم گیری های کلان قدرت دارند.

طبق گزارشات منتشر شده، بامداد روز شنبه سوم ژانویه، نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا حملات گسترده ای را علیه تأسیسات نظامی، فرودگاهها و زیرساخت های ارتباطی در تعدادی از شهرهای ونزوئلا انجام داده است. تصاویر منتشر شده دستگیری مادورو و همسرش سلیا فلورس را در حالیکه توسط دو مأمور "سازمان فدرال مبارزه علیه مواد مخدر" همراهی میشوند را نشان میدهند. این تصاویر باید این توهم را بوجود بیاورند که دولت آمریکا در ادامه سیاستهای تجاوزکارانه اش در هفته گذشته تحت عنوان به اصطلاح "مبارزه با مواد مخدر"، این بار مادورو و همسرش را نیز دستگیر کرده اند. دولت ونزوئلا با انتشار بیانیه ای "تهاجم نظامی آمریکا علیه خاک ونزوئلا را شدیداً محکوم کرده و اعلام نمود که این حمله" نقض آشکار منشور سازمان ملل" بوده و هشدار داد که این عملیات نظامی، صلح و ثبات در آمریکای لاتین و کارائیب را تهدید میکنند.

ونزوئلا به عنوان دارنده یکی از بزرگترین ذخایر نفت جهان، سالهاست در کانون سیاست های مداخله گرانه و تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا قرار دارد. تلاش برای کنترل مستقیم یا غیرمستقیم این منابع راهبردی، همواره یکی از محورهای اصلی فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا علیه این کشور بوده است؛ فشاری که امروز به مرحله جنگ علنی و تهاجم نظامی ارتقا یافته است. آنچه امروز در ونزوئلا جریان دارد، ادامه منطقی سیاستی است که طی سال های گذشته از طریق تحریم های فلج کننده، محاصره مالی، تهدیدهای مستمر و عملیات خرابکارانه دنبال شده است. اکنون، در شرایط تشدید بحران های ساختاری سرمایه داری جهانی و تضعیف موقعیت هژمونیک آمریکا، جنگ و مداخله نظامی بار دیگر به ابزار اصلی تحمیل اراده امپریالیستی بدل شده است.

اظهارات آشکار مقامات ایالات متحده درباره هدف گذاری ذخایر نفتی ونزوئلا، ماهیت واقعی این حمله را آشکار می سازد. این جنگ نه با هدف دفاع از آزادی و حقوق بشر، بلکه برای تضمین منافع سرمایه های بزرگ نفتی و حفظ سلطه بر بازار جهانی انرژی به راه افتاده است. تجربه تاریخی نشان داده